



از کتاب « اندیشه های فتحعلی آخوندزاده»، بقلم دکتر فریدون آدمیت
۱۸۷۸ - ۱۸۱۲

برگ ۱۹۷

برگردیم به گفتار میرزا فتحعلی. ببینیم در آثار و عوارض دیانت چه دارد بگوید:
« امروز خرابی کل دنیا حاصل ظهور دین آوران است از خطه آسیا که مولد ادیان است. پیمبران از مشرق برخاستند و به وسیله امامان و نایبان و خلفای آنان بر مغرب استیلا یافتند و در اعتقاد مردم به درجه مقدسی رسیده اند. نتیجه کوشش آنان این شد که عقل انسانی را که در موجودات سفیله بالیقین، و در اجرام علویه علی الظاهر وجودی بالاتر از آن متصور نیست - به سبب انواع و اقسام اغراض نفسانیه خودشان بالکلیه از درجه شرافت و اعتماد انداخته، تا امروز در حبس ابدی نگاه داشته، در امورات و خیالات اصلا آن را سند و حجت نمی شمارند، و نقل را همیشه بر عقل مرجح و غالب می دانند. (۴۳)

مثلا دانش عقلی نمی پذیرد که حضرت پیمبر به آسمان رفت، یا مریم باکره از روح خداوندی به حضرت عیسی حامله گشت. چون ایراد کنی اولیای دین خواهند گفت: « به تحقیق و حکم عقل اعتماد نباید کرد. »، حقیقت همان است که صحابه فرموده اند یا انجیل خبر داده است. البته داستان « دارالسیاسیه » ای که به جهت سوزاندن مردم کم اعتقاد به نام « اینقویزاسیون » بر پا کرده بودند، شنیده اید. آن مردم به سبب ادنی شبهه خودشان در اعتقاد دینی، که ناشی از چشمه عقل بوده است، به آتش بیرحمی سوخته شده اند. پس سعادت و فیروزی نوع بشر وقتی رو خواهد داد که عقل انسانی کلیه، خواه در آسیا خواه در یورپا، از حبس ابدی نجات یابد و در امورات و خیالات تنها عقل بشری و حجت گردد و حاکم مطلق شود. (۴۴)

چگونه این کار میسر است؟

شیوه هدایت و ارشاد و شیوه راهنمایی و تعلیم این نیست که به عامه مردم مسلمان و نصرانی و جهود بگویی: اعتقاد شما باطل است و شما در ضلالت هستید، باید چنان و چنان اعتقاد را داشته باشید.... به این شیوه ناملایم برای خود هزار قسم مدعی و بدگو خواهی تراشید، و به مقصد خود هم نخواهی رسید. هر کس از ایشان از روی لجابت و عناد، حرف تو را بیهوده و دلایل تو را پوچ خواهد شمرد، و زحمت تو عبث و بیجا خواهد شد. تو دین ایشان را کنار بگذار، و در خصوص آنها هیچ حرف مزن، ارشاد را چنین آغاز کن:

پیشینیان تاریخ آفرینش جهان را هفت هزار سال مرقوم فرموده اند. اما امروز دلایل قطعی بر ما ثابت گردانیده که ایجاد دنیا از کرور هزار سال نیز گذشته است. و قبل از ادیان اهل کتاب، ادیان متعدده باطله در دنیا ظهور داشته است از قبیل دین بت پرستی و آتش پرستی و برهمنی و کثرت الهه یونانیان پس عقل انسانی متحیر است که آیا به چه سبب خداوند عالم آن نوع ادیان باطله را چندین هزار سال قبل از ظهور ادیان اهل کتاب پایدار و برقرار گذاشته است. پس از تامل عقل انسانی ناچار حکم قطعی خواهد کرد که خداوند عالم در ظهور آن ادیان باطله و در بقای آنها، هرگز مداخله نداشته است. بلکه همه آنها را

مردمان زیرک و ریاست طلب به جهت نیل مقاصد خودشان احداث نموده اند. همین که پیروان اهل کتاب به بطلان مذاهب کهن پی بردند خود به خود و بلاختیار دین خودشان را نیز از آنها قیاس خواهند کرد.

و خواهند فهمید که اگر دین حق در دنیا لزوم می داشت چرا چندین هزار سال خداوند عالم پیغمبر بر حقی نفرستاد که آن ادیان باطله را از روی زمین کم کند تا زمان حضرت موسی. مگر تا آن زمان این دنیا، و این بندگان تعلق به او نمی داشت؟ و یا مگر تا آن زمان خوابیده بود، بعد بیدار شده دید که ادیان باطله دنیای او را ملوث کرده اند – آن وقت به فکر فرستادن رسل بر حق و کتب سماویه بر افتاد؟» (۴۵)

در نفی رسالت و نبوت می آورد:

« آیا بر پرودگار لازم است پیغمبری بفرستد، و مخلوق خود را به هدایت دلالت بکند؟ نخیر هیچ لازم نیست. مگر نمی دانی هدایت و ضلالت، حق پرستی و بت پرستی در نظر او علی السویه است؟ باید دانسته باشی که سرزمین ینگی دنیا در ادوار تاریخ در آن طرف آب مانده بود و کرور کرور خلق آن مثل من و تو، از نوع بشر، در بیشه ها مانند حیوانات وحشی برهنه و عریان می گشتند – هیچ موجد اعتنا نداشت که برای ایشان پیغمبری بفرستد. از کشف و تسخیر ینگی دنیا چند قرنی نمی گذرد. حالا مردم آن دیار در علوم و صنایع به اهل دنیای کهنه تفوق بهمرسانیده اند.» (۴۶)

(۴۳) - ملحقات ص ۱۶۹

(۴۴) - ملحقات ص ۱۷۰ و نامه ها، ص ۲۸۹ - ۲۸۸

(۴۵) - ملحقات، ص ۱۷۲ - ۱۷۰. آن راهنمایی زیرکانه از ملکم خان است (نگاه کنید به: نامه ها، ص ۲۹۱ - ۲۹۰). در

این ماخذ جمله آخر چنین آمده:

« آن وقت به فکر فرستادن حضرت موسی و دیگر رفقاییش افتاد.»

(۴۶) - مکتوبات کمال الدوله، ورق ۱۳۸ - ۱۳۷

با سپاس از مهرداد

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>

